

تجربه‌های واقعی و دردناک زنان روزنامه‌نگار

توهین، تحقیر، تبعیض

گزارش

زنان ورزشکار از تجربه حضور آنلاین می‌گویند

آزارهای مجازی



ورزشکاران زن بریتانیایی خواستار آن شده‌اند که کاری درباره توهین‌های مکرر در شبکه‌های اجتماعی انجام شود. طبق یک نظرسنجی، به تقریباً یک سوم ورزشکاران زن در شبکه‌های اجتماعی توهین شده است. سه نفر در این میان تجارب خود را به اشتراک گذاشته‌اند.

الینور اسنوسیل، بازیکن تیم ملی راگیبی ولز می‌گوید که مرتباً پیام‌های شخصی ناشایستی دریافت می‌کند: «اوضاع کمی از کنترل خارج شده است و گاهی کار به تعرض کلامی می‌رسد. اگر فردی در زندگی واقعی شما هم می‌آید و مرتباً به هر کاری که می‌کردید چنین واکنشی نشان می‌داد، واقعاً عجیب به نظر می‌رسید. آنها ایموجی‌های عاشقانه می‌فرستند، یا گاهی حرف‌هایی درباره خودشان می‌زنند. اگر آنها به همین شکل ادامه دهند، در اکثر مواقع بلاکشان می‌کنم.

چهار سال پیش، یک نفر برایم کامنتی گذاشت که باعث شد فکر کنم در فاصله نزدیکی به من قرار دارد و می‌داند که من کجاستم. من در مکانی عمومی بودم و همین باعث شد که کمی بترسم. او را بلاک کردم و از آن به بعد، حواسم بود که چه مطالبی را منتشر کنم. زنان هرگز برایم چنین کامنت‌هایی نمی‌نویسند. اینکه مردان این مطالب را می‌نویسند تهدیدآمیز می‌شود، چرا که ممکن است شرایطی پیش بیاید که یک نفر دست به کاری افراطی بزند. مردان در این وضعیت‌ها قدرت بیشتری دارند اما آنها چه فکری با خود می‌کنند که مرتب چیزهایی می‌نویسند که من هیچ واکنشی به آنها نشان نمی‌دهم؟ از خودم می‌پرسم آنها کی متوقف می‌شوند. من آنها را نمی‌شناسم و اغلب تصویر پروفایلشان هم عکس خودشان نیست. هیچ چیزی درباره‌شان نمی‌شود پیدا کرد. همین باعث می‌شود که اوضاع تهدیدآمیزتر شود.»

سوزانا تاونسند، قهرمان هاکی المپیک، در سال ۲۰۱۵ با هک اکانت اینستاگرامش مواجه شد. او می‌گوید: «من نمی‌توانستم وارد حساب کاربری‌ام شوم. تلاش‌م را می‌کردم اما پیام می‌آمد که چنین کاربری وجود ندارد. من در لیست فالوئینگ‌های اکانت تیم ملی هاکی زنان جستجو کردم و دیدم اسم اکانت‌م عوض شده و جمله‌ای بی‌شرمانه به جای نامم قرار گرفته است. تا حدود یک هفته نمی‌توانستم کاری با آن اکانت انجام دهم. هیچ‌کس نبود که بخواهد به من کمک کند. نمی‌توانستم رمز عبورم را در اینستاگرام عوض کنم چون هکر کاری کرده بود که کنترلی رویش نداشتم. من تلاش می‌کنم آن خاطره را پاک کنم اما حالا می‌ترسم که اتفاق دیگری برایم بیفتد. هکر سه هزار فالوئر من را بلاک کرد. من حدود چهار هزار فالوئر را از دست دادم. آنها همه پست‌های من را پاک کردند.»

خیلی بد بود چون کنترل اکانت من در دستشان بود. آنها به تمام پیام‌های من دسترسی داشتند. به همه چیز: حالا تصویری محو از آن روزها به خاطر دارم چون خیلی وحشت‌زده بودم. چیزی که برایم آزاردهنده بود این بود که انگار خودم باید دست تنها با آنها می‌جنگیدم. هیچ‌کس نمی‌دانست چطور به من کمک کند. اینکه به ورزشکاران فردی را معرفی کنید که اگر هک شدند یا اتفاقی پیش آمد، با آنها تماس بگیرند، بسیار مهم است.»

ریچل نیوپورو، بازیکن تیم ملی ایرلند شمالی و باشگاه چارلتون اتلتیک، تا جایی که بتواند از شبکه‌های اجتماعی دوری می‌کند چون می‌داند که توهین‌های بسیاری به ورزشکاران زن می‌شود اما او می‌داند که در این صورت فرصت‌های اسپانسرشیپ بسیاری را از دست می‌دهد. او می‌گوید: «البته من در شبکه‌های اجتماعی عضو اما خیلی درگیرشان نیستم، چون در این صورت باید مطالبی درباره زندگی شخصی‌ام منتشر کنم اما مسأله این است که اگر حضور واقعی در شبکه‌های اجتماعی داشته باشید، می‌توانید قرارداد‌های اسپانسرشیپ خیلی خوبی امضا کنید و هزینه‌های زندگی‌تان را از آن تامین کنید. این فرصتی عالی است. برای من و خیلی از دخترها پیش آمده که آدم‌های تصادفی پیام‌های خصوصی می‌فرستند. این پیام‌ها درباره فوتبال نیست. اگر یک دختر ۱۶ ساله باشید که وارد دنیای فوتبال شده باشید، بسیار آسیب‌پذیر هستید. باشگاه‌هایی که روانشناس دارند می‌توانند در این زمینه کاری انجام دهند.»



گزارش

فوتبال آفریقا چند دقیقه قبل از پخش از روی سرور حذف شد. آرزوی ما این است که مدیریت ارشد رادیو، تلویزیون و رسانه‌های چاپی بپذیرند که در هر سرویس ورزشی، زنان نقش مهمی را به عهده بگیرند.

مماچی تمبرت فلورنس پریته، کامرون

اسپانسرهای علاقه‌ای ندارند

من خبرنگار ورزشی از جمهوری دموکراتیک کنگو هستم. از سال ۲۰۰۸ گزارشگر و مفسر بازی‌های فوتبال، بسکتبال و هندبال هستم اما هیچ آموزش رسمی نداشتم و کارم را تجربی یاد گرفتم. تبعیض در زندگی روزمره ما است چون ما در دنیای ورزش زن هستیم. حداقل وقتی سخت کار می‌کنیم، شناخته می‌شویم و جایگاهمان را به دست می‌آوریم.

من سردبیر یک مجله چاپی و آنلاین هستم اما اسپانسرهای علاقه‌ای ندارند چون ما بیشتر درباره ورزشکاران زن حرف می‌زنیم. یک چیز دیگری که تجربه کردم مشکل زبان است. انگلیسی به فرانسوی ترجیح داده می‌شود.

لیتسیا اهوزادمبو، جمهوری دموکراتیک کنگو

هیچ پولی نمی‌گرفتم

می‌خواهم تجربه‌ام را به عنوان یک ورزشکار زن بگویم. من عضو فدراسیون بین‌المللی سوارکاری هستم و تنها دختری بودم که هر هفته برای شرکت در مسابقات به کشورهای نزدیک می‌رفتم بدون اینکه تیمی برای رقابت در آن داشته باشم. هر تابستان هم برای شرکت در مسابقات به کشورهای اروپایی می‌رفتم. خانواده‌ام از من حمایت می‌کردند.

در کشور من مردان زیادی در باشگاه‌های سوارکاری هستند اما هیچ اهمیتی به زنان نمی‌دهند و فکرمی‌کنند این ورزش مخصوص مردان است. از مردان حمایت می‌کنند و به آنها پول می‌دهند اما من با ۱۰ سال تجربه هیچ پولی نمی‌گرفتم. بعد از ۱۰ سال تصمیم گرفتم به دختران دیگر فرصت دهم که بتوانند در قالب یک تیم مسابقه بدهند و با آنچه من مواجه شدم، نشوند. با مسئول ورزش کشور صحبت کردم و پیشنهاد تشکیل دپارتمان زنان سوارکار را دادم. او واقعا حمایت کرد و از این ایده استقبال کرد که به زنان کمک کنم در کویت سوارکاری کنند. او این قانون را تصویب کرد که هر باشگاه سوارکاری باید یک بخش مخصوص زنان داشته باشد و من را به عنوان نخستین رئیس سوارکاری زنان منصوب کرد. من هرگز تسلیم نشدم و می‌دانم مردان زیادی هستند که می‌توانند به زنان برای ایجاد تغییر کمک کنند. من تغییر را به وجود آوردم اما موضوع فاصله دستمزد هنوز وجود دارد.

دماخالد، کویت

منبع: AIPS

حالا یک روزنامه‌نگار ورزشی هستم به خاطر یک دوست، یک سردبیر در بنین که سخاوتمندانه به من آموزش داد و من مسئول رسانه او در کشورم، توگو شدم. در تلاش برای رسیدن به ثبات در زمینه نگاری، از بعضی مسئولان تقاضای کار کردم و یکی از آنها علاقه نشان داد و الزامات و تعهدات را مطرح کردیم اما در کمال تعجب، مرتبه بعد که به دفترش رفتم تقاضای رابطه جنسی کرد. رفتار خیلی بدی نشان داد و بعد از آن هم از تهدید و توهین حتی در تماس تلفنی خودداری نکرد. این رفتار در ذهن من ماند و همین‌ها باعث شد روی توانایی‌های دیگر تمرکز کنم. من عاشق مطبوعات هستم اما با این کارها راهم را گم کردم. متشکرم از کسانی که کمک کردند.

سخت بود

از سال ۲۰۰۶ در رادیو و تلویزیون گینه به عنوان خبرنگار ورزشی کار می‌کنم اما اعتراف می‌کنم خیلی سخت بود. بارها مورد تبعیض و توهین قرار گرفتم چه در اداره و چه در زمین‌های ورزشی. مثلاً یک بار رئیس، رفتن من به استودیو را ممنوع کرد چون قبول نکردم با او بیرون بروم و این ممنوعیت تا وقتی او بود، ادامه داشت اما من ماندم و همیشه به او جواب منفی دادم. تحقیر شدم و توهین شنیدم اما مقاومت کردم و حالا به خاطر استقامت و شخصیت اینجا هستم. این مثال خیلی‌هاست.

کادیاتو تائوره، گینه

ما را شهروند درجه دو می‌دانند

یک روزنامه‌نگار زن در ورزش با موانع زیادی مواجه می‌شود که ادامه حرف‌هاش به صورت آزادانه را سخت‌تر می‌کند. ما دستمزد کمتری می‌گیریم و به همکاری‌های مرد توجه بیشتری می‌شود به جای اینکه به هر دو جنس با عدالت نگاه شود. ما را شهروند درجه دو می‌دانند. من در تجربه خودم، با ورود به استادیوم و اظهار نظر درباره بازی‌ها در کنار مفسران مرد این حصر را شکستم. حالا یک دبیر، گزارشگر و مفسر حرفه‌ای تلقی می‌شوم اما اینها هم باعث نشده برخی به من نگاه‌های عجیب و غریب نکنند. یادم هست در یکی از بازی‌ها مردی به من گفت: «زن‌هایی مثل تو اشتباهی آمده‌اند، باید در خانه بمانید نه اینکه در خیابان‌ها گزارش و تفسیر بازی کنید.»

آمنیتو مصطفی، موریتانی

همه ناراحت‌تان می‌کنند

کار به عنوان یک گزارشگر ورزشی در اتاق خیر چالش‌برانگیز است. همه ناراحت‌تان می‌کنند از خبرنگارهای دیگر تا نیروهای فنی و راننده‌ها و زنان در این حرفه که مخصوص مردان شده، قربانی تبعیض هستند. من شخصاً تجربه‌های ناراحت‌کننده‌ای داشتم اما یکی که اشکم را در آورد این بود که مصاحبه با فرستاده کنفدراسیون

نخستین سمینار دیجیتال زنان انجمن بین‌المللی ورزشی نویسان (AIPS) هفته گذشته به پایان رسید اما آثار آن تا مدت‌ها باقی خواهد ماند و قطعاً نقش مهمی را در مبارزه برای برابری جنسیتی در رسانه‌ها ایفا می‌کند. مردان و زنان از پس زمینه‌ها و فرهنگ‌های مختلف از تقریباً چهار گوشه دنیا به دلیل شیوع ویروس کرونا در این وبینار شرکت کردند تا به این موضوع مهم بپردازند و نتایج فوق‌العاده‌ای حاصل شد.

به تجربه برخی از شرکت‌کنندگان در این وبینار که بعضاً خواستند ناشناس بمانند، اشاره می‌کنیم.

فکر می‌کردم روزنامه نگاری مخصوص مردان است

بعد از پایان تحصیلاتم، در یک خبرگزاری در شهرم کارم را شروع کردم. طبعاً نسبت به روزنامه نگاری ورزشی عشق زیادی داشتم و درباره همه چیز کنجکاو بودم. از همان روزهای اول سعی کردم در اتاق خبر نکته‌های جزئی را بیاموزم ضمن اینکه هیجان و استرس کار رویم تأثیر گذاشت. می‌خواستم بیشتر یاد بگیرم و نامم را مطرح کنم اگر چه حس بدی داشتم از اینکه کمتر از حداقل دستمزد تعیین شده در وزارت کار کشورم پول می‌گرفتم (که غیرقانونی است).

تصمیم گرفتم به این موضوع اهمیتی ندهم چون باید تجربه بیشتری کسب می‌کردم و باید جایگاه خودم به عنوان یک ژورنالیست را تثبیت می‌کردم. می‌خواستم استقلال پیدا کنم تا اینکه بعد از چند روز مدیر خبرگزاری از من خواست ساعت ۵ عصر به اتاقش بروم تا نکاتی را به من بگوید. ۵ عصر وقتی است که همه رفته‌اند. من به اتاقش رفتم و او درباره شروع روزنامه نگاری و اینکه در کشور ما چطور است و فساد و بی‌عدالتی به جفا کشیده، حرف‌هایی زد. من هم اطلاعات را مانند یک اسفنج جذب می‌کردم اما ناگهان برایم موزیک گذاشت و به من دست زد و خواست برقصم. شوکه شدم، حس کردم مورد توهین قرار گرفتم، خودم را خلاص کردم و دیگر به آنجا برنگشتم، در واقع دیگر به این حرفه برنگشتم تا همین اواخر. حس می‌کردم شعله عشق این کار در من خاموش شده چون فکر می‌کردم روزنامه نگاری کار مردان است. به هیچ‌کس درباره این اتفاق حرفی نزدم حتی خانواده‌ام. آنها من را سرزنش می‌کردند چون من در کشورم به جنس ضعیف تعلق دارم و او هیچ تقصیری متوجهش نمی‌شد چون ارتباطات مهمی داشت و از خانواده معروفی بود. این اولین تجربه من از روزنامه نگاری بود که خیلی هم مایه افتخار نیست.

راهم را گم کردم

من کارشناس اپلیکیشن و طراح گرافیک کامپیوتر بودم و